

یادداشتی از آقای مرتضی تیموریان؛ ضرورت تولید ایران بنیان در حوزه کشاورزی

کشاورزی اساساً حوزه ای تولید محور است و محور اساسی تولید در کشور محسوب می شود. در سالی که «توسعه تولید ملی»؛ به عنوان پیشران اصلی فعالیت ها برای مواجهه با مسئله ای فوری و جدی اقتصاد کشور در نظر گرفته شده، کشاورزی صحنه اصلی مطالبه «رونق تولید» است. بی تردید دست اندرکاران کشاورزی، مخصوصاً مسئولین سطوح مختلف وزارت جهاد کشاورزی و تا حدی کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی حرکت هایی برای پاسداشت شعار «رونق تولید»؛ انجام می دهند. یکی از برنامه های معمول مسئولین برای توسعه تولید کشاورزی، ایجاد کانال های مالی تسهیلات برای توسعه واحدهای زراعی، باغی، دام و طیور است. این برنامه ها تازگی ندارد، سالیانی است که در کشور دنبال می شود؛ یک روز با عنوان خودکفایی در محصولات اساسی، یک روز به نام اقتصاد مقاومتی و چند روز دیگر به نام «رونق تولید»؛. با اینکه بحث از میزان و کفایت تسهیلات دولتی در حمایت از تولید ملی اهمیت زیادی دارد، اما روی سخن این نگاره با مسئله ای دیگر است. مسئله این است که به نظر می رسد بخشی از سیاست های دولتی برای رونق تولید در حوزه کشاورزی به سمت تقلید نابجا از سایر کشورها حرکت کرده و می کند، و این گونه رونقی، به سختی با روح اقتصاد مقاومتی سازگار می شود. هلشتاین، سمینتال، سانن، آلیپین، رومانف، مرینوس، راس و کاب، واژگانی بیگانه، اما آشنا با صحنه تولید کشاورزی ایران است. ریشه دوانیدن نژادهای خارجی غیربومی دام و طیور در بستر کشاورزی کشور، موضوعی بحث انگیز و نگرانی ای عمیق برای یک اقتصاد مستقل، مقاوم و عزیز و یک سیاست گذاری اصیل - نه مقلد - است. این نژادها، غالباً با شرایط اقلیمی کشور سازگاری ندارند و پرورش آن ها نیازمند هزینه های سنگین، مراقبت های ویژه و همراه با ریسک بالا است. گاوی که تغییر رنگ لباس کارگر گاوداری در آن ایجاد افت راندمان می کند، بزی که برای جابجایی نیاز به واکسن مسافرت دارد، گوسفندی که خشکی هوا باعث کاهش میزان چندقلوزایی آن می شود، مرغی که با چند ساعت قطع برق به طور کلی تلف می شود؛ اینها را نمی توان بیش از یک گزینه ای محدود برای رونق کوتاه مدت تولید کشاورزی دانست. به عبارت دیگر، این فعالیت های تولیدی هم یکی از چندین عملیات لازم برای رونق تولید و آن هم به صورت محدود است، نه تمام شمایل رونق تولید کشاورزی کشور. کشاورزی دانش بنیان، اگر در چارچوب اقتصاد مقاومتی تبیین شود و شکل بگیرد، نمی تواند مصرف کننده صرف محصولات نهایی سایر کشورها باشد. نژادهای اصیل ایرانی در کشور در حال نابودی است و نه اینکه بر روی اصلاح و بهبود آن ها کار جدی در کف میدان نمی شود، بلکه چشم دوختن به نژادهای حساس خارجی، مجالی برای

میدان نمی؛ شود، بلکه چشم دوختن به نژادهای حساس خارجی، مجالی برای اندیشیدن به یک کشاورزی متناسب با اقلیم ایران و فرهنگ این مرز و بوم باقی نگذاشته است. دستگاه دیپلماسی کشور، تمام دغدغه؛ اش رفع تحریم و ایجاد امکان تبادل مالی برای واردات جوجه؛ های مرغ اجداد و مادر، نطفه؛ های گاو هلشتاین، بز سانن و گوسفند رومانف است. حتی با در نظر گرفتن ضرورت تکمیل چرخه دانش، تلاشی برای انتقال زنجیره کامل دانش تولید نژادهای خارجی به کشور هم نشده است. به علاوه نژادهای خارجی، خود ایجاد نیازمندی؛ هایی از قبیل خوراک، واکسن و دارو می؛ کنند که وابستگی تولید کشور به بیگانگان را چندین برابر می؛ کند و این هرگز آن رونق تولیدی نیست که باید در گام دوم انقلاب اسلامی به دست جوانان مؤمن انقلابی محقق شود. یک واحد ساده مرغداری که امروز با بیش از یک میلیارد تومان هزینه راه؛ اندازی می؛ شود، تنها با نرسیدن سویا یا ذرت به کشور، با نرسیدن واکسن، با نرسیدن مکمل؛ های غذایی، با قطع واردات جوجه اجداد، با بالا رفتن نرخ ارز و خوراک دام، در معرض سقوط قرار می؛ گیرد. یک واحد گاوداری نیز به همین صورت به خوراک، واکسن، دارو و همچنین نطفه نیازمند است که اختلال در رسیدن یا دیر رسیدن هر یک از آن؛ ها، تولید را با تلاطم روبرو می؛ کند. در گوسفند و بز نیز مسئله به همین شکل است. بنابراین، رونق تولید در حوزه کشاورزی کشور نیازمند حرکتی هوشمندانه، همه جانبه و با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، فرهنگی و ظرفیت؛ های این مرز و بوم است. رونق تولید کشاورزی، نیازمند به؛ کارگیری دانش فنی و بومی از آزمایشگاه تا مزرعه است. نژادهای اصیل ایرانی و ذخایر ژنتیکی کشور باید حفظ شود و بهبود یابد. ظرفیت؛ های عظیم طبیعی کشور از جمله اراضی دیم، سواحل، اقلیم؛ های چندگانه، ظرفیت؛ های تجاری و بازار مصرف محصولات کشاورزی کشور در جهان، و سایر امکانات تولید کشاورزی کشور باید با عزمی راسخ به کارگرفته و بارور شود. تعداد واحدهای صنعتی دام و طیور راه؛ اندازی شده در سال ۱۳۹۸، هرگز شاخص واضحی برای رونق تولیدی که می؛ خواهد مسئله اقتصاد کشور را حل کند، نیست. رونق تولید در حوزه کشاورزی زمانی نشان از یک عملکرد درخشان دارد که منجر به احیای کشاورزی در کشور شود. کشاورزی؛ ای که در دوران قاجار و مخصوصا پهلوی، آخرین چوب؛ های حراج را خورده است، با امثال رومانف و سانن احیا نمی؛ شود؛ نام توسعه رومانف و سانن را می؛ توان تولید گذاشت، اما رونق تولید چیزی بیشتر از آن است. یادداشتی از آقای مرتضی تیموریان؛ پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام